



دنیاطلبی؛ عامل بی‌توجهی عملی جامعه قرآنی صدر اسلام به حق

جامعه قرآنی صدر اسلام از جهت فکری و نظری دچار مشکل چندانی نبودند اما این حب دنیا و دنیاطلبی و طمع بود که چشم و گوش و زبان آنان را بسته بود؛ به صورتی که حق را می‌دیدند و می‌شنیدند ولی در عرصه عمل به آن بی‌توجه بودند.

جامعه قرآنی صدر اسلام از جهت فکری و نظری دچار مشکل چندانی نبودند اما این حب دنیا و دنیاطلبی و طمع بود که چشم و گوش و زبان آنان را بسته بود؛ به صورتی که حق را می‌دیدند و می‌شنیدند ولی در عرصه عمل به آن بی‌توجه بودند.

حجت‌الاسلام و المسلمین علی‌اصغر تجری، عضو هیئت مدیره انجمن قرآن‌پژوهی حوزه، در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، با بیان این که دوری از دنیاطلبی و بیرون کردن طمع دنیا از دل خود یکی از مواردی است که بر قرآنیان جامعه واجب است، اظهار کرد: برای مثال ممکن یک قاری یا مفسر قرآن فرد برجسته‌ای باشد، اما در دربار سلاطین و پادشاهان و قدرت‌مندان و ثروتمندان مطرح باشد و هدف خود را رسیدن به مراکز قدرت و امکانات و مقامات و یا چیزهای دیگری قرار داده باشد.

وی با تأکید بر این که چنین افرادی قطعاً نمی‌توانند مرجعیتی فکری و فرهنگی برای افراد جامعه داشته باشند، خاطرنشان کرد: این چنین دنیاطلبی قطعاً نمی‌تواند اهداف جامعه قرآنی را برآورده کند؛ همچنان که همین دنیاطلبی بود که در دوران صدر اسلام، به عنوان یک آسیب و تهدید جدی باعث شد که با وجود آگاهی افراد مرتبط با قرآن و پیامبر(ص)، این افراد بر موضع حق باقی نمانند.

مشکل ما در وضع فعلی دوچندان است؛ یعنی هم از لحاظ شناخت نظری حق و حقیقت دچار مشکل هستیم و هم در این پایبندی و توصیه به عمل نیاز به این داریم که توجه بیشتری داشته باشیم و بایستی با پایداری، در این دو عرصه، بر موانع غلبه کنیم.

تجری با اشاره به مورد توجه قرار گرفتن آگاهان از معارف و احکام قرآن در صدر اسلام و بعد از رحلت پیامبر(ص)، گفت: بعضی از فعالان قرآنی در این دوره که خاندان پیامبر(ص) در انزوا قرار گرفته‌اند، در سطوح حاکمیتی و مدیریتی جامعه قرار می‌گیرند و توجه به سمت این افراد بود. اما این نه به جهت بها دادن حاکمیت به چهره‌های قرآنی، بلکه با قصد منزوی کردن اهل بیت(ع) صورت گرفته بود.

عضو هیئت مدیره انجمن قرآن‌پژوهی حوزه با بیان این که انتظار می‌رفت که این چهره‌ها عملکرد مثبتی داشته باشند و شاهد نقش‌آفرینی شایسته‌ای از سوی آنان باشیم، اظهار کرد: نمی‌توان گفت که این افراد هیچ اقدامی نکردند و یا هیچ اثرگذاری مثبتی نداشتند، بلکه حتی کارهای بزرگ و شایسته‌ای را نیز انجام دادند، اما این اقدامات در حد بایسته و آن چه انتظار می‌رفت نبود.

وی افزود: این افراد از جهت فکری و نظری دچار مشکل چندانی نبودند؛ چرا که یا از صحابه و یا از تابعین و در هر صورت نزدیک به عصر رسالت و نزول قرآن بودند و بنابراین از نظر فهم و درک قرآن در جایگاه خوبی قرار داشتند. آسیب آنان بیشتر در زمینه‌های عمل و در رفتار بود و در این زمینه نیز به دلیل این که فضای جامعه نیز چندان به افراد اجازه نمی‌داد که برخلاف احکام ظاهری دین عمل کنند، تقلیدی در امور شخصی و فردی دیده می‌شد، اما حب دنیا را که در احادیث نیز سر منشأ همه خطاها و گناهان دانسته شده است، می‌توان به عنوان عامل فریفتگی آنان و باقی‌نماندن‌شان بر موضع حق مطرح کرد.

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک این امر را خطر و آسیب تهدیدگر در آن دوران خواند و اظهار کرد: شاید عموم جامعه نمی‌دانستند که حق کیست و در کجا قرار دارد و باطل کیست و در چه موضعی قرار دارد، اما کسانی که اهل قرآن بودند، می‌دانستند و خبر داشتند. این حب دنیا و دنیاطلبی و طمع بود که چشم و گوش و زبان آنان را بسته بود؛ به صورتی که حق را می‌دیدند ولی به سمت آن نمی‌رفتند یا حق به گوش آنان می‌خورد، اما در عرصه عمل به آن بی‌توجه بودند.

تجری با اشاره به شرایط فعلی و دوران حاضر گفت: این خطری است که در وضعیت فعلی ما نیز مطرح است، اما ما مشکلی مزید بر این علت نیز داریم و آن این که در همان مرحله اول که شناخت نظری و محتوایی قرآن است، دچار مشکلاتی هستیم. بنابراین مشکل ما در وضع فعلی دوچندان است؛ یعنی هم از لحاظ شناخت نظری حق و حقیقت دچار مشکل هستیم و هم در این پایبندی و توصیه

به عمل نیاز به این داریم که توجه بیشتری داشته باشیم و بایستی با پایداری، در این دو عرصه، بر موانع غلبه کنیم.